



نقطه آغازین سقوط سرمایه اجتماعی کجاست؟

گفت و گو با دکتر محسن رناني

25 مهر 1391 ساعت 9:26

وضعیت جامعه ایران الان مثل وقتی است که یک بیمار را باید تب یا نبضش را به صورت منظم بگیریم و مراقبت کنیم. همان طور که تورم را باید مراقبت کنیم تا اقتصاد به بحران نرسد، سرمایه اجتماعی را هم باید مراقبت کنیم تا بتوانیم بحران های اجتماعی را پیش بینی کنیم و برای آن ها چاره ای بیندیشیم

اقتصاد ایران آنلاین - مهیار زاهد: دکتر محسن رناني در کتاب چرخه های افول اخلاق و اقتصاد بیش از هر چیز به مباحث مربوط به سرمایه اجتماعی پرداخته و بر اهمیت آن تاکید دارد. اما سرمایه اجتماعی چیست؟ و ارتباط آن با اقتصاد مدرن امروزي چگونه است؟ به طور کلی می توان گفت که بحث سرمایه اجتماعی و تاثیر آن در شکل گیری عدالت یکی از مباحثی است که به طور جدی در بررسی سرمایه اجتماعی مطرح شده است. اما از طرف دیگر می بینیم که در جامعه شناسی همین مسئله یعنی سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی که می تواند در گسترش بی عدالتی موثر باشد نیز مطرح می شود. برای واکاوی بیشتر سرمایه اجتماعی در گفت و گو با دکتر رناني به واکاوی این مسئله پرداختیم.

پیر بورديو به طور خاص توضیح می دهد که چگونه انسان ها برای رسیدن به جایگاهی مهم از روابط اجتماعی خود استفاده می کنند. با این وصف آیا نکته ای در بحث سرمایه اجتماعی وجود دارد که نیاز به تاکید داشته باشد؟

نکته اول این که در این عالم هیچ چیزی بی هزینه نیست. حتی چیزهای خوب هم هزینه دارند. این هزینه گاهی به صورت هزینه تولید یا ایجاد چیزهای خوب و گاهی هم به صورت پیامدهای منفی چیزهای خوب ظاهر می شود. اتومبیل خوب است و امروزه زندگی مدرن بدون اتومبیل ممکن نیست. اما هم برای تولید اتومبیل باید هزینه کنیم و هم اتومبیل پیامدهای منفی ای مانند تولید آلودگی صوتی، آلودگی هوا و ترافیک در پی دارد. سرمایه اجتماعی هم از این قاعده مستثنی نیست.

سرمایه اجتماعی کالا یا خدمت یا یک ارزش خوب است که هم تولیدش هزینه می برد و هم پس از تولید می تواند پیامدهای منفی داشته باشد. آنچه مهم است برآیند هزینه و منافع یک پدیده است. وجود سطح قابل قبولی از سرمایه اجتماعی اکنون شرط لازم شکل گیری هرگونه فرآیند توسعه است. اما طبیعی است که خود توسعه هم برخی پیامدهای منفی برای جامعه دارد. نکته دیگر این که باید به مفهوم انواع سرمایه اجتماعی توجه داشت. این ادعا که سرمایه اجتماعی در هر شکل آن خوب و پسندیده است، ادعای نادرستی است. چه بسا انواعی از سرمایه اجتماعی که نه تنها مفید نیست بلکه موجب آسیب جامعه می شود.

مثلا سرمایه اجتماعی سطوح میانه یا همان سرمایه اجتماعی هموندي که در میان قاچاقچیان یا گروه های افراطی مانند القاعده، مافیا و نظایر آنها شکل می گیرد، از نوع سرمایه اجتماعی آسیب زاست. پس آنچه ما به عنوان سرمایه اجتماعی مفید و موثر برای توسعه مطرح می کنیم سرمایه اجتماعی کلان یا پیوندی است. در مورد انواع سرمایه های اجتماعی در کتاب «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد» به تفصیل سخن گفته ایم.

یکی از ویژگی‌های بارز کتاب «چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد» تاکید نویسنده بر استفاده از مثال‌های متعدد عینی یا تشبیهی است. با این وصف آیا می‌توان گفت که در نگارش این کتاب تلاش شده تا طیف گسترده‌تری از مخاطبان را هدف قرار دهد؟ یعنی با استفاده از زبانی ساده‌تر جدای از جامعه علمی به مخاطب عام نیز توجه ویژه شده است؟

دقیقا هدف ما همین بوده است. ما کتاب را آگاهانه به دو بخش توصیفی و تحلیلی تقسیم کرده ایم. در بخش اول هدفمان شناساندن مفهوم، اهمیت و پیامدهای سرمایه اجتماعی برای غیر متخصصین و برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان با سوابق تحصیلی متفاوت بوده است بنابراین بخش بزرگی از ایده‌ها و مفاهیم را از طریق ارائه مثال‌های متعدد و متفاوت منتقل کرده ایم. اما بخش‌های بعدی بخش‌های فنی هستند که دانش‌آموختگان علوم اجتماعی نظیر جامعه‌شناسی و اقتصاد را پوشش می‌دهد. برخی از بخش‌های پایانی هم شاید تنها برای دانشجویان دکترای اقتصاد یا جامعه‌شناسی قابل استفاده باشد. بنابراین کتاب به گونه‌ای طراحی شده است که طیف‌های مختلفی از خوانندگان را راضی کند.

در مباحث طرح شده در باب سرمایه اجتماعی چندین بار بر این ضرورت تاکید شده است که کاهش سرمایه اجتماعی باعث انجماد اقتصادی می‌شود. اولاً انجماد اقتصادی چه تعریف مشخصی دارد؟ و دوم اینکه رابطه این دو چگونه شکل می‌گیرد؟

اجازه بدهید به روال کتاب در پاسخ شما نیز از یک مثال بهره ببرم. یک ماشین مکانیکی را در نظر بگیرید. اگر این ماشین روغنکاری نشود پس از مدتی کار کردن اصطکاک بین قطعات آن به حدی بالا می‌رود که ماشین خوردگی پیدا می‌کند و حتی متوقف می‌شود. این را می‌شود به عنوان قفل شدن یا انجماد ماشین تلقی کرد. در جامعه هم چنین است. آنچه باعث می‌شود ماشین اجتماعی به خوبی یعنی با هزینه اندک کار کند، وجود سطحی از سرمایه اجتماعی است که نقش روغن اجتماعی را بازی می‌کند.

در واقع انجماد اقتصادی یک وضعیت حدی است و شرایطی است که اصطلاحاً می‌گوییم هزینه‌های مبادله در حداکثر است و نقطه توقف فعالیت اقتصادی یعنی خروج بنگاه‌ها از بازار یا از سرمایه‌گذاری است. بین هزینه‌های مبادله و سرمایه اجتماعی ارتباط معکوس برقرار است. یعنی هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد هزینه مبادله فعالیت‌های اقتصادی پایین‌تر است. وقتی سرمایه اجتماعی خیلی کاهش می‌یابد هزینه مبادله خیلی بالا می‌رود و اقتصاد به نقطه انجماد می‌رسد. این نقطه انجماد وقتی همراه با فشارهای مختلف تورمی و رکودی و سایر شوک‌های اقتصادی باشد، اقتصاد را وارد مرحله کهولت می‌کند. چیزی که اخیراً من تحت عنوان «کهولت اقتصاد ایران» مطرح کرده‌ام در واقع ریشه در همین تحلیل دارد.

چند سوال مهم در ابتدای کتاب مطرح شده که در طی فصل‌های بعدی سعی شده تا برای آنها پاسخی مناسب ارائه شود. به طور کلی اما نظر به اهمیت سرمایه اجتماعی چگونه می‌توان جواب این سوال را داد که دولت توسعه‌خواه چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

از دیدگاه نظری دولت توسعه‌خواه، دولتی است که هم در نظریه توسعه‌خواه است و برای آن برنامه ریزی می‌کند و هم در عمل و جریان فرآیند توسعه به اقتضائات توسعه عمل می‌کند و خود را با نیازهای توسعه همراه می‌کند. یکی از این اقتضائات این است که در فرآیند توسعه، هرچه جامعه مدنی رشد می‌کند دولت باید نقش‌های غیر حاکمیتی خود را به بخش خصوصی و نهادهای مدنی واگذار کند. یکی دیگر از اقتضائات توسعه نیز سرمایه اجتماعی است.

چون فرآیند توسعه از نوعی مرحله‌گذار عبور می‌کند. در فرآیند‌گذار نیز معمولاً هنجارها متحول می‌شوند و در جریان این تحول هنجارها، ممکن است یک مرحله ناهنجاری رخ دهد که در آن سرمایه اجتماعی کاهش یابد. اکنون می‌توان گفت دولتی توسعه‌خواه است که در مرحله‌گذار، مقوم سرمایه اجتماعی باشد نه مخرب آن. دولتی که در مرحله‌گذار، خودش عامل تخریب سرمایه اجتماعی باشد یک دولت ضد توسعه محسوب می‌شود حتی اگر داعیه توسعه‌خواهی اش گوش فلک را کر کرده باشد یا برنامه‌های توسعه پنج ساله بنویسد. مهم این است که با تخریب سرمایه اجتماعی، دارد سنگ بناهای توسعه را تخریب می‌کند. با توجه به تأثیر سرمایه اجتماعی بر روابط اجتماعی یا بالعکس نقش مذهب در افزایش این سرمایه چگونه توجیه می‌شود؟

سرمایه اجتماعی بر سه پایه اساسی استوار است: نخست هنجارها، دوم اعتماد و روابط مبتنی بر آن و سوم شبکه‌ها. که البته ترتیب اینها به معنی تقدم قبلی نسبت به بعدی است. یعنی هنجارها مقدم بر دو پایه دیگر است. اکنون باید گفت مذهب یکی از منابع تولید هنجار در جوامع است. بنابراین مذهب از طریق تولید هنجار به شکل‌گیری سرمایه اجتماعی یاری می‌رساند. البته اگر مذهب موجب رشد سرمایه اجتماعی میانی یا هموندی شود، مخصوصاً اگر جامعه دارای اقلیت‌های قومی و مذهبی متعدد باشد می‌تواند موجب تخریب توسعه شود.

چون مذهب می‌تواند روابط و اعتماد میان اعضای یک فرقه یا مذهب را بالا ببرد اما در عین حال بین آنها با فرقی دیگر تفرق ایجاد کند که این می‌تواند ضد توسعه عمل کند. پس مذهب تا جایی که مولد هنجار است موجب ارتقای سرمایه اجتماعی کلان و مفید می‌شود اما از جایی که موجب رشد عصبیت‌ها و افراطی‌گری‌ها و فرقه‌گرایی شود موجب تضعیف سرمایه اجتماعی کلان یا پیوندی که مفید است می‌شود.

چرا تا کنون در باره سرمایه اجتماعی در ایران کار جدی و دقیقی انجام نشده است؟ آیا در پرداخت به این مهم مشکلاتی وجود دارد؟ و آیا امروز کمی دیر نیست برای پرداختن به این نظریه؟

ببینید کار جدی دو مفهوم دارد. یکی کارهای نظری و تحلیلی، که به نظر من چرا کارهای زیادی شده است. خود من از سال ۱۳۸۱ به طور منظم روی این مسئله کار کرده‌ام. تعداد زیادی مطالعه را در قالب مقاله، پایان‌نامه‌های ارشد و دکترا، خود من راهنمایی و مشاوره داده‌ام. تعداد زیادی سخنرانی و مقاله و مصاحبه داشته‌ام که هدف اینها آوردن مفهوم سرمایه اجتماعی به فضای عمومی و آشنا کردن مردم و سیاستمداران با اهمیت آن بوده. و البته توسط دیگر پژوهشگران نیز مطالعات زیادی انجام شده است.

آنچه مسئله امروز ماست این است که برآورد و پایش منظم سطح سرمایه اجتماعی در سطح ملی کاری نیست که از دست یک پژوهشگر یا حتی از دست بخش خصوصی ساخته باشد. برآورد سرمایه اجتماعی و تحولات آن مانند برآورد تورم است که باید یک نهاد دولتی یا عمومی با قانون و بودجه مشخصی متولی آن باشد. خوشبختانه در دوره اصلاحات که مسئله کاهش سرمایه اجتماعی را مطرح کردیم آن زمان سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نسبت به موضوع حساس شد و نهایتاً در برنامه چهارم وزارت کشور موظف شد که به طور منظم و سالانه روند تحولات سرمایه اجتماعی را برآورد و طی گزارشی منتشر کند.

اما متأسفانه این حکم برنامه چهارم هیچ‌گاه مورد توجه دولت‌های نهم و دهم قرار نگرفت. مسئله امروز ما این است که همانند محاسبه تورم که یک نهاد متولی مشخص دارد، برآورد و پایش سطح سرمایه اجتماعی را نیز باید به یک نهاد مشخص بسپاریم که پاسخگو باشد و موظف باشد داده‌های مربوط را به طور منظم تولید کند. شاید برای کشورهای دیگری که وضعیت باثبات و پایداری دارند این مسئله اهمیت نداشته باشد اما برای ایران الان مثل وقتی است که یک بیمار را باید تب یا نبضش را به صورت منظم بگیریم و مراقبت کنیم. همان‌طور که تورم را باید مراقبت کنیم تا اقتصاد به بحران نرسد، سرمایه اجتماعی را هم باید مراقبت کنیم تا بتوانیم بحران‌های اجتماعی را پیش‌بینی کنیم و برای آنها چاره‌ای بیابیم.

الان در سطح بین‌الملل طرح پیمایش ارزش‌های جهانی (world value survey) و سازمان ملل نهادهای متولی مطالعات سرمایه اجتماعی هستند که مطالعه در مورد سرمایه اجتماعی را به صورت هدفمند دنبال می‌کنند. وقتی جهان متوجه شده است که یک چنین متغیر مهمی وجود دارد که باید به طور منظم دنبال شناسایی، برآورد و پایش شود روشن است که در سطح ملی باید اهمیت بیشتری به آن داد. متأسفانه در حال حاضر ساختار سیاسی به گونه‌ای شده است که موضوعات بی‌اهمیت و فرعی اهمیت درجه یک یافته‌اند و موضوعات بنیادین و مهم به فراموشی سپرده شده‌اند.

با توجه به مفاهیمی که از سرمایه اجتماعی بیان شده است به نظر می رسد بررسی و تحلیل این سرمایه تنها با در نظر گرفتن چند المان محدود امکان پذیر نباشد چراکه به واقع سرمایه اجتماعی می تواند حاصل تاریخ و فرهنگ به جای مانده از یک تاریخ و یک ملت باشد. این مسئله را چطور ارزیابی می کنید؟

همین جور است. از نظر برآورد تجربی و محاسبه شاخص سرمایه اجتماعی ما نیازمند محاسبه طیف گسترده ای از شاخص های اجتماعی هستیم که این کار نیازمند همکاری گروه های متعددی از صاحب نظران علوم اجتماعی است که مسئله را از ابعاد گوناگون ببینند. از دیدگاه نظری و تحلیلی نیز چنین است یعنی شناخت ابعاد نظری، ریشه ها، زمینه ها و منابع سرمایه اجتماعی بحث پیچیده و گسترده ای است که هنوز هم پس از چند دهه کار روی سرمایه اجتماعی، عالمان علوم اجتماعی در مورد آنها به اجماع دست نیافته اند.

منابع هویت و منابع معرفت که دو منبع اصلی سرمایه اجتماعی محسوب می شوند خودشان بسیار گسترده و متنوع هستند. مثلاً دین به عنوان یک منبع هویت برای سرمایه اجتماعی کارکردهای متفاوتی در سطوح مختلف سرمایه اجتماعی دارد. برای نمونه، دین از یک سو منشأ تولید ارزش ها و هنجارهاست که پایه سرمایه اجتماعی هستند، اما از سوی دیگر دین می تواند با ایجاد مرزبندی های فرقه ای میان بخش های مختلف جامعه، سرمایه اجتماعی «درون گروهی» این فرقه ها را مستحکم و لی همزمان سرمایه اجتماعی «میان گروهی» یا بیرونی و کلان را تضعیف کند. بنابراین مسئله بسیار پیچیده و ظریف و نیازمند کارهای تحقیقاتی گسترده و همکاری جمعی و میان رشته ای علوم مختلف اجتماعی است.

به نظر می رسد نویسندگان کتاب چرخه های افول اخلاق و اقتصاد مسئولیت زیادی را بر دوش سرمایه اجتماعی گذاشته اند و می خواهند جواب پرسش های متعدد و متفاوتی را با این گزینه بیابند. آیا به شکلی این رویه اهمیت بیش از حد قائل شدن برای یکی از المان های اجتماعی و اقتصادی نیست؟ یعنی واقعا می توان انتظار داشت که کلید حل تمامی مشکلات اقتصادی و اجتماعی کوتاهی در پرداختن و توجه به یک مقوله به تنهایی باشد؟

ببینید، نظریه پردازی مستلزم ساده سازی است. یعنی وقتی ما می خواهیم تورم را توضیح دهیم، می آیم و بخش زیادی از متغیرهایی که بر تورم اثر دارند را حذف می کنیم و بر دو، سه متغیر پولی متمرکز می شویم. در حالی که مثلاً نگرش دینی مردم هم بر تورم اثر دارد اما اقتصاددانان برای آن که بتوانند تورم را تحلیل کنند مجبور بوده اند بر یکی، دو متغیر مهم تر و اصلی تر متمرکز شوند. این اقتضای کار علمی است. در واقع نظریه پردازی بیان حدی و افراطی پدیده هاست، به ویژه در علوم اجتماعی. همچنین شما وقتی می خواهید یک مسئله مغفول مانده و از قلم افتاده را برجسته کنید و اهمیت آن را در چشم ها بنشانید، چاره ای به جز برجسته سازی افراطی ندارید.

ضمن این که از نظر من سرمایه اجتماعی برای رشد و توسعه یک جامعه از دو سرمایه دیگر، یعنی سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی، پر اهمیت تر و موثر تر است. جامعه ما اکنون تجربه دو دهه سرمایه گذاری افراطی بر روی سرمایه های اقتصادی و انسانی را دارد. حجم عظیم پروژه های اقتصادی که در این دو دهه اجرا شده است و حجم عظیم دانشگاه هایی که توسعه یافته اند و میلیون ها فارغ التحصیل بیکاری که امروز داریم، گواه این وضعیت است.

اما در عین حال می بینیم تحولی در اقتصاد و جامعه ما رخ نداده است. به نظرم من علتش همین غفلت از سرمایه اجتماعی و در واقع تخریب سرمایه اجتماعی است. بنابراین گرچه ما عامدانه در نظریه پردازی سعی می کنیم به اصطلاح روغن داغ یک نظریه را افزایش دهیم اما در این مورد خاص واقعا الان سرمایه اجتماعی مسئله اصلی جامعه ما شده است. در یک کلام، می دانیم که در اقتصاد ارزش ها به طور نسبی معنا می یابند. در این مورد هم، سهم پرداختن به سرمایه اجتماعی در برابر متغیرهایی مانند سرمایه، نیروی کار، سرمایه انسانی، بهره وری عوامل تولید، پول، ارز و نظایر آنها و به ویژه میزان تلاش نظری که می شود برای شناخت جایگاه آن در اقتصاد همچنان از سطح پایینی برخوردار است.

رابطه بین اقتصاد خلاق و رشد اقتصادی چیست و سرمایه اجتماعی چگونه می تواند بر خلاقیت اثرگذار باشد؟ در این رابطه خوانندگان را به مطالعه بخش دوم کتاب «چرخه های افول اخلاق و اقتصاد» فرا می خوانم. در آن بخش به روشنی نشان داده شده است که چگونه قابلیت اعتماد و سرمایه اجتماعی بالا، احتمال حضور کارآفرینان در اقتصاد را افزایش می دهد. به طور خلاصه باید بگویم جوامعی که به قابل اعتماد بودن در برابر فرصت طلب بودن پاداش می دهند موجب افزایش تعداد کارآفرینان می شوند و از این طریق خلاقیت و رشد اقتصادی ارتقا می یابد. در غیر این صورت، تعداد مدیران مترصد و فرصت طلب نسبت به تعداد کارآفرینان به سرعت افزایش می یابد و جامعه به سمت شکل دهی یک اقتصاد رانتی و طیفی از مدیران رانت جو می رود.

آیا تاریخ اقتصاد همیشه نشان دهنده تاثیر اقتصاد دولتی بر کاهش سرمایه اجتماعی است؟ با این وصف نظام های اقتصادی چپ نمی بایست تا کنون در این زمینه پرونده موفقی می داشتند؟ آیا می توان مسئولیت هزینه مبادله را به تنهایی به گردن دولت انداخت؟

نه این گونه نیست. ما تجربه هند را داریم که گرچه در آغاز یک اقتصاد نیمه متمرکز داشت اما منجر به سقوط سرمایه اجتماعی نشد. اقتصاد دولتی وقتی به رانت آلوده می شود و رانت جویی به عنوان ویژگی اصلی مدیران دولتی مطرح می شود نقطه آغازین سقوط سرمایه اجتماعی را شکل می دهد. بی گمان هیچ نهادی قدرتمند تر از دولت نمی تواند هنجارهای مشوق بی اعتمادی (ریا، چاپلوسی، تظاهر، پنهان کاری و ...) را به هنجارهای برانگیزنده اعتماد تغییر دهد و فرآیند درونی ساختن آن را تسریع کند. به همین علت معمولاً در اقتصادهایی که دولت نقش مرکزی دارد هنجارهای مشوق بی اعتمادی رشد می کند و این همان نقطه مرکز فسادآور است. اما باین حال نمونه هایی مثل هند هم هستند که به رغم حضور جدی دولت در اقتصاد، سرمایه اجتماعی آسیب ندیده است.

کد مطلب: 65469

آدرس مطلب: <http://eghtesadeiranonline.com/vdcjhxem.uqeimzsffu.html>

اقتصاد ایران آنلاین <http://eghtesadeiranonline.com>